

# ارزیابی پتانسیل اشتغالزایی در بخش صنعت ایران

معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی  
دفتر: مطالعات انرژی، صنعت و معدن

کد موضوعی: ۳۱۰  
شماره مسلسل: ۱۴۹۴۰  
مردادماه ۱۳۹۵

## به نام خدا

### فهرست مطالب

- ۱.....چکیده
- ۲.....مقدمه
- ۴.....۱. عوامل مؤثر بر استخدام نیروی کار در بخش صنعت ایران
- ۸.....۲. کدام صنایع پتانسیل بالاتری برای اشتغالزایی در بخش صنعت دارند؟
- ۱۳.....جمع‌بندی و خلاصه مدیریتی
- ۱۵.....منابع و مآخذ



## ارزیابی پتانسیل اشتغالزایی در بخش صنعت ایران

### چکیده

هدف از این گزارش بررسی پتانسیل اشتغالزایی رشته فعالیت‌های مختلف صنعتی و نقش ساختار صنایع در تقاضای نیروی کار آنهاست. نتایج نشان می‌دهد که افزایش مقیاس تولید به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های ساختاری بر تقاضای نیروی کار در بخش صنعت ایران تأثیرگذار است. به‌گونه‌ای که با افزایش در مقیاس تولید در صنایع، تقاضای نیروی کار تحریک و افزایش می‌یابد. همچنین یافته‌های گزارش نشان می‌دهد که ارتقای رقابت‌پذیری صادراتی صنایع موجب افزایش استخدام نیروی کار توسط آنها می‌شود. هر چقدر صنعت مورد نظر صادرات‌گراتر باشد، اشتغالزایی نیز در آن بیشتر خواهد شد. ذکر این نکته لازم است که در این مطالعه موضوع اشتغالزایی در کلان اقتصاد مدنظر است و به‌عنوان نمونه ممکن است با افزایش مقیاس در یک صنعت اشتغال مستقیم زیادی ایجاد نشود اما به‌دلیل ارتباطات پیشین و پسین با دیگر صنایع، اشتغال غیرمستقیم زیادی ایجاد کرد.

بررسی پتانسیل اشتغالزایی صنایع مختلف نشان می‌دهد که با توجه به سهم صنایع از کل شاغلان در بهبود مقیاس تولید و عملکرد صادراتی آنها، به ترتیب صنایع تولید مواد غذایی و آشامیدنی، تولید مواد و محصولات شیمیایی و تولید سایر محصولات کانی

غیرفله‌زی در رتبه اول صنایع با پتانسیل بالا قرار می‌گیرند. لازم به ذکر است که در اولویت قرار دادن صنایع آب‌بر باید موضوع جدی بحران آب را لحاظ کرد و در قالب سند جامع آب از این صنایع در راستای اهداف اشتغالزایی استفاده کرد تا اشتغال پایدار و مولد حاصل شود. یکی از صنایعی که می‌توان با تغییر ساختار (از قبیل به روز شدن تکنولوژی و استفاده از پلتفرم‌های جدید و مشترک، ارتقای کیفیت، کاهش هزینه‌های سربار و قیمت تمام شده و...) و رقابت‌پذیر کردن آنها پتانسیل اشتغال بالایی ایجاد کرد، صنعت خودرو (در کل زنجیره تولید) می‌باشد. در صورتی که در این صنعت نگاه صادراتی حاکم شود، می‌توان پتانسیل اشتغالزایی مناسبی برای آن تصور کرد. نتیجه نهایی گزارش این است که اگر هدف دولت افزایش اشتغالزایی در بخش صنعت است؛ اقتصادی کردن مقیاس صنعت و یا افزایش اندازه بنگاه‌ها و توجه جدی به صادرات محور شدن آنها در دستیابی به این هدف بسیار مؤثر خواهد بود.

## مقدمه

ایجاد و تأمین اشتغال، به‌ویژه برای جوانان همواره یکی از دغدغه‌های جامعه و سیاستگذاران اقتصادی بوده است. در حال حاضر، با توجه به رشد جمعیت در دهه‌های قبل و جذب ناکافی نیروی کار در مشاغل و نیز ترکیب نیروی کار که بخش بزرگی از آن را فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تشکیل می‌دهند، اشتغال به یک چالش مهم برای دولت تبدیل شده است. برآوردها نشان می‌دهد که در ۵ سال آینده به‌طور متوسط ۲/۵ درصد



به افراد متقاضی کار در جامعه ایران اضافه خواهد شد.<sup>۱</sup> این موضوع توجه جدی به اشتغالزایی فعالیت‌های اقتصادی به منظور پاسخگویی به این موضوع را نمایان می‌سازد. در این میان بخش صنعت به طور بالقوه نقش مهمی در جذب نیروی کار دارد. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهند که علیرغم اینکه رشد صنعتی در گذشته رخ داده، این رشد به میزان قابل توجهی فرصت جذب بیکاران و کاهش نرخ بیکاری را فراهم نکرده است. می‌توان تعطیلی بخشی از کارگاه‌های صنعتی طی یک دهه گذشته را یکی از دلایل عدم اشتغالزایی کافی در کل بخش صنعت، علیرغم رشد متوسط اشتغال در بنگاه‌های موجود دانست. یکی دیگر از فرضیات این است که ساختار بخش صنعت در ایران عمدتاً بر بنگاه‌ها و فعالیت‌هایی متمرکز شده است که اشتغالزایی کمتری ایجاد می‌کنند. از سوی دیگر، سؤال مهم این است که کدام صنایع می‌توانند در آینده در صورت برنامه‌ریزی مناسب، اشتغال بیشتری ایجاد کنند. با توجه به اینکه اقتصاد ایران طی سال‌های آینده با عرضه قابل توجه نیروی کار با تحصیلات دانشگاهی روبرو است، تقویت بخش صنعت می‌تواند فرصت‌های شغلی مناسب را برای این افراد فراهم کند. در واقع مسئله این است که چه عواملی بر میزان اشتغال و استخدام نیروی کار در بخش صنعت در ایران مؤثر هستند و نقش ویژگی‌های ساختاری در تقاضای نیروی کار صنعتی چیست؟ پاسخگویی به این پرسش‌ها به سیاستگذاران کمک خواهد کرد که در برنامه‌ریزی‌های اشتغال، صناعی را در اولویت قرار دهند که پتانسیل بالاتری برای ایجاد اشتغال دارند.

---

۱. International Monetary Fund, (2015), “Islamic Republic of Iran 2015 Article IV Consultation”, IMF Country Report No. 15/349, P.20.

### ۱. عوامل مؤثر بر استخدام نیروی کار در بخش صنعت ایران

مطابق با نظریات اقتصادی، بنگاه‌ها در صورتی تقاضای نیروی کار خود را افزایش می‌دهند که دستمزدهای حقیقی (که اثر تورم از آن کسر شده است) کاهش یابد، فروش آنها بیشتر شود و قیمت محصولات آنها افزایش یابد. همچنین افزایش هزینه به‌کارگیری سرمایه می‌تواند بر اشتغال اثر منفی داشته باشد، مگر اینکه بنگاه از نظر فنی بتواند سرمایه را با نیروی کار جایگزین کند. از سوی دیگر، ویژگی‌های ساختاری حاکم بر بخش صنعت نیز در تقاضای آنها برای اشتغال مؤثر است. مقیاس تولید بزرگ‌تر که نشانگر بزرگ بودن تقاضا برای محصولات آن صنعت می‌باشد، تقاضای بیشتری نیز برای نیروی کار ایجاد خواهد کرد. همچنین هر قدر رقابت‌پذیری در یک صنعت بیشتر باشد، استخدام نیروی کار در آن صنعت یا صنایع مرتبط نیز بیشتر خواهد بود، چراکه بنگاه‌ها برای رقابت‌پذیری باید عوامل تولید را به‌صورت کارآمدتری به‌کار بگیرند و در این صورت بهره‌وری نیروی کار نیز در آن صنعت بالاتر خواهد بود. به غیر از این، اگر یک صنعت رقابت‌پذیری بیشتری داشته باشد، در فروش محصولات نیز موفق‌تر بوده و چشم‌انداز سرمایه‌گذاری و استخدام نیروی کار نیز در آن و صنایع مرتبط روشن‌تر خواهد بود.

در مجموع، تقاضای نیروی کار به دستمزد حقیقی نیروی کار، نرخ حقیقی به‌کارگیری سرمایه و ویژگی‌های ساختاری صنایع موردنظر بستگی دارد. ویژگی‌های ساختاری می‌توانند کاربری یا سرمایه‌بری صنعت مورد نظر، مقیاس تولید در صنعت و سطح رقابت‌پذیری بنگاه‌های آن را نمایندگی کند. از این‌رو، می‌توان نسبت سرمایه‌گذاری به ازای هر نفر از شاغلان در آن صنعت را به‌عنوان معیاری از سرمایه‌بری صنعت مورد نظر به حساب آورد. به‌طور معمول انتظار بر این است که صنایعی که سرمایه‌بر هستند،



سطح سرمایه‌گذاری به ازای هر نفر از شاغلان در آن بالاتر باشد. به عبارت دیگر، میزان سرمایه‌ای که هر یک از شاغلان در اختیار دارند در صنایع سرمایه‌بر بالاتر خواهد بود. انتظار بر این است که سرمایه‌بری بیشتر به‌طور نسبی سبب تقاضای کمتر بنگاه برای نیروی کار شود. یکی دیگر از متغیرهایی که می‌تواند به‌عنوان ویژگی‌های ساختاری یک صنعت مطرح باشد، مقیاس تولید در آن صنعت است. طبیعتاً هر چقدر مقیاس‌های بزرگ‌تری در یک صنعت متداول باشد، امکان به‌کارگیری صرفه‌های مقیاس در آن بیشتر خواهد بود. انتظار بر این است که صنایعی که با مقیاس‌های بزرگ‌تری فعالیت می‌کنند، به‌دلیل ارتباط‌های پیشین و پسین بیشتر با سایر صنایع باعث تحریک بیشتر تقاضای نیروی کار شده و از این‌رو موجب اشتغالزایی شوند.

میزان رقابت‌پذیری بنگاه‌های یک صنعت نیز ویژگی‌های ساختاری آن را نشان می‌دهد. انتظار بر این است که هر چقدر رقابت‌پذیری در یک صنعت بالاتر باشد، به‌طور طبیعی بهره‌وری عوامل تولید در آن بالاتر بوده و بنگاه‌ها در آن صنعت قادر به تولید محصولات با هزینه کمتری باشند. از این‌رو وضعیت فروش در آن صنعت نیز بهتر بوده و لذا تقاضای بیشتری نیز برای نیروی کار وجود خواهد داشت. یکی از معیارهایی که می‌توان برای رقابت‌پذیری بنگاه‌ها در یک صنعت در نظر گرفت، نسبت صادرات به ارزش‌افزوده است. هر چقدر این نسبت بالاتر باشد، نشان می‌دهد بنگاه‌ها در این صنعت، در رقابت با بازار جهانی موفق‌تر بوده و قادر به تولید محصولات با هزینه کمتری هستند که می‌توانند آن را در بازار جهانی عرضه کنند. لذا بهره‌وری نیروی کار در آن صنعت بالاتر بوده و در نتیجه استخدام نیروی کار در آن صنعت سودآور خواهد بود.

بررسی‌های حاصل از مدلسازی اقتصادسنجی<sup>۱</sup> در این مطالعه نشان می‌دهد که بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ ارزش افزوده تولید شده به ازای هر بنگاه (که شاخصی از متوسط مقیاس تولید در هر رشته فعالیت صنعتی است) و نسبت صادرات به ارزش افزوده (شاخصی از رقابت‌پذیری صنعت مورد نظر) آثار مثبت و معناداری بر استخدام نیروی کار صنعتی در ایران داشته‌اند. در مقابل، نتایج نشان می‌دهد که نرخ دستمزد (حقیقی) نقش مهمی در تقاضای نیروی کار صنایع در ایران ندارد. به بیان دیگر، تقاضای نیروی کار در ایران ربطی به دستمزد نیروی کار ندارد. به نظر می‌رسد که دستمزد نیروی کار عامل محدودکننده مهمی در تقاضای نیروی کار توسط بنگاه‌های صنعتی در ایران نیست و پایین بودن دستمزد حقیقی در ایران و عدم تعدیل متناسب آن با نرخ تورم در بسیاری از سال‌ها عامل مهمی در عدم تأثیرگذاری دستمزد در تصمیمات بنگاه‌های صنعتی در ایران باشد.

نتایج نشان می‌دهد که ضریب ارزش افزوده که در واقع نشانگر تأثیر ارزش افزوده هر بنگاه می‌باشد، معنادار و مثبت بوده و مقدار آن ۰/۴ می‌باشد. این ضریب نشانگر تأثیر مقیاس تولید به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های ساختاری بر تقاضای نیروی کار در بخش صنعت ایران است. بنابراین با افزایش ۱ درصدی در مقیاس متوسط تولید در صنایع، تقاضای آنها برای استخدام نیروی کار ۰/۴ درصد افزایش می‌یابد. این ضریب را می‌توان کشش اشتغال نسبت به رشد اقتصادی در بخش صنعت ایران تفسیر کرد. این یافته نشان می‌دهد که افزایش رشد اقتصادی در یک صنعت در طول زمان می‌تواند موجب

۱. در این مطالعه از روش پنل دیتا و از داده‌های ۲۳ کد دو رقمی آپسیک کارگاه‌های صنعتی استفاده شده است. برآورد الگو با استفاده از روش اثرات ثابت است.





افزایش اشتغالزایی شود. از سوی دیگر در بین رشته فعالیت‌های مختلف صنعتی، صناعی که مقیاس بزرگ‌تری دارند، توان اشتغالزایی بیشتری نیز خواهند داشت.

نتایج نشان می‌دهد که نوع فناوری و سرمایه‌بر یا کاربر بودن صنایع در ایران تأثیر معناداری بر تقاضای نیروی کار آنها نداشته است. همچنین ضریب نرخ سود حقیقی تسهیلات پرداختی به بخش صنعت نیز اگرچه منفی است، اما از نظر آماری معنادار نیست. در نتیجه می‌توان پذیرفت که سود تسهیلات پرداختی به بخش صنعت نیز بر اشتغالزایی آن تأثیر معناداری نداشته است.

یافته‌های اقتصادسنجی نشان می‌دهد که رقابت‌پذیری صنایع موجب افزایش استخدام نیروی کار توسط آنها می‌شود. ضریب نسبت صادرات به ارزش افزوده که شاخصی از میزان رقابت‌پذیری در صنعت مورد نظر است مثبت و معنادار است. این نشان می‌دهد که هر چقدر صنعت مورد نظر صادرات‌گراتر باشد، اشتغالزایی نیز در آن بیشتر خواهد شد. همچنین در بین رشته فعالیت‌های صنعتی، صناعی که رقابت‌پذیر و صادرات‌گرا هستند، پتانسیل بیشتری برای اشتغالزایی دارند.

لازم به ذکر است که موضوع اشتغالزایی را نباید صرفاً در داخل بنگاه متمرکز کرد چون بحث تحریک اشتغال در سطح کلان اقتصاد مطرح است. چه بسا با افزایش مقیاس یک صنعت و یا صادرات‌گرا شدن آن به دلیل استفاده از تکنولوژی سرمایه‌بر، به اشتغال مستقیم منجر نشود اما آثار الغایی آن (اثرات خارجی مفید) بر دیگر صنایع می‌تواند به ایجاد اشتغال بیانجامد.

## ۲. کدام صنایع پتانسیل بالاتری برای اشتغالزایی در بخش صنعت دارند؟

نتایج بررسی‌های اقتصادسنجی نشان داد که مقیاس تولید بزرگ‌تر، رشد ارزش‌افزوده بیشتر و صادرات‌گرا بودن صنایع سبب می‌شود پتانسیل اشتغالزایی آنها نیز افزایش یابد. لذا براساس این معیارها می‌توان مشخص کرد که کدام یک از صنایع پتانسیل بالاتری برای اشتغالزایی در بخش صنعت دارند. نتایج این بررسی می‌تواند در برنامه‌ریزی برای بخش صنعت از منظر موضوع اشتغال مفید باشد.

### ۲-۱. پتانسیل اشتغالزایی صنایع بر مبنای مقیاس تولید

همان‌طور که بررسی‌ها نشان می‌دهد، صنایعی که مقیاس تولید بالاتر و رشد اقتصادی بیشتری دارند، ظرفیت بالاتری نیز برای استخدام نیروی کار در آنها وجود دارد. بر این اساس می‌توان از این معیارها برای تعیین پتانسیل اشتغالزایی صنایع مختلف استفاده کرد. لذا صنایعی که مقیاس تولید در آنها رشد بیشتری داشته باشد، پتانسیل اشتغالزایی بالاتری نیز در آینده خواهند داشت.

بر این اساس، متوسط نسبت ارزش‌افزوده (حقیقی) به ازای هر بنگاه در کل بخش صنعت طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ سالانه ۵/۸ درصد رشد کرده است. به بیان دیگر، به‌طور متوسط سالانه ۵/۸ درصد به ارزش‌افزوده بنگاه‌های صنعتی اضافه شده است که می‌توان آن را رشد مقیاس تولید در نظر گرفت. در برخی از صنایع این رشد بیشتر از متوسط رشد بخش صنعت بوده است (جدول ۱). بر این اساس مقیاس تولید در صنایع تولید ماشین‌آلات اداری و حسابگر محاسباتی (۱۳/۸ درصد)، صنایع تولید پوشاک (۱۳/۱ درصد)، صنایع تولید چوب و محصولات چوبی (۱۳ درصد)، صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی (۱۱/۷ درصد)، صنعت بازیافت (۸/۹



درصد) و صنایع تولید مواد غذایی و آشامیدنی (۸/۶ درصد) بیشترین رشد را داشته است. با توجه به اینکه صنایع مواد غذایی و آشامیدنی با ۱۷ درصد کل اشتغال در بخش صنعت و صنایع مواد و محصولات شیمیایی با ۱۰ درصد کل شاغلان بخش صنعت را تشکیل می‌دهند، لذا به‌نظر می‌رسد که این دو صنعت با توجه به رشد مناسبی که از منظر تولید و مقیاس داشته‌اند، همچنان پتانسیل بالاتری نیز برای اشتغالزایی در آینده دارا باشند. ذکر این نکته لازم است که با توجه به منابع آب کشور و دورنمای آن، دستیابی به اهداف اشتغالزایی از طریق صنایع آب‌بر مستلزم استراتژی و وجود سند جامع آب در کشور است. چه‌بسا در برنامه‌ریزی جامع و لحاظ کردن دیگر متغیرهای اثرگذار به‌خصوص بحران آب، صنایع آب‌بر از اولویت خارج شوند. همچنین صنایع تولید «سایر محصولات کانی غیرفلزی» از یکسو به‌دلیل سهم بیش از ۱۳ درصدی در کل اشتغال بخش صنعت و ازسوی دیگر به‌دلیل متوسط رشد مقیاس تولید سالیانه بیش از ۷ درصدی در رتبه بعدی صنایع با پتانسیل اشتغالزایی قرار می‌گیرند.

### جدول ۱. متوسط رشد مقیاس هر بنگاه و رشد ارزش افزوده کل هر رشته

فعالیت‌های صنعتی طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ (درصد)

نام صنعت	نسبت ارزش افزوده به ازای هر کارگاه	متوسط رشد مقیاس بنگاه‌ها	رشد ارزش افزوده	سهم از اشتغال صنعت
صنایع مواد غذایی	۸۵۶۰	۸/۶	۹/۰	۱۶/۸
دخانیات	۴۸۹۳۷۵	-۳/۵	۶/۶	۰/۶
منسوجات	۵۶۵۵	۷/۱	۲/۰	۶/۷
پوشاک	۳۲۲۶	۱۳/۱	۶/۴	۰/۶
چرم و ساخت کیف و کفش	۳۰۲۹	۶/۵	۰/۸	۰/۶
تولید چوب و محصولات چوبی غیر از مبلمان	۶۷۹۱	۱۳/۰	۹/۶	۰/۷

سهم از اشتغال صنعت	رشد ارزش افزوده	متوسط رشد مقیاس بنگاه‌ها	نسبت ارزش افزوده به ازای هر کارگاه	نام صنعت
۱/۸	۶/۱	۴/۷	۶۶۱۰	کاغذ و محصولات کاغذی
۰/۶	-۰/۹	۶/۸	۴۰۲۹	انتشار و چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده
۲/۴	۹/۳	۶/۰	۲۰۸۵۵۷	صنایع تولید زغال کک - پالایشگاه‌های نفت
۱۰/۲	۱۲/۹	۱۱/۷	۵۴۹۸۹	صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی
۴/۹	۵/۷	۴/۰	۶۶۴۱	محصولات لاستیکی و پلاستیکی
۱۳/۶	۵/۶	۷/۱	۷۷۱۲	سایر محصولات کانی غیر فلزی
۱۰/۲	۶/۹	۴/۸	۷۰۶۰۶	تولید فلزات اساسی
۵/۹	۵/۲	۶/۹	۷۲۱۶	محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین‌آلات و تجهیزات
۶/۰	۲/۸	۵/۲	۹۵۷۸	تولید ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر
۰/۴	۱۱/۲	۱۳/۸	۲۰۱۸۵	تولید ماشین‌آلات اداری و حسابرگر و محاسباتی
۳/۵	۲/۴	۲/۸	۱۶۰۷۳	ماشین‌آلات مولد و انتقال برق و دستگاه‌های برقی
۰/۶	۰/۱	۲/۶	۱۶۹۱۴	رادیو و تلویزیون و دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی
۱/۱	۴/۶	۶/۶	۹۲۰۹	ابزار پزشکی و ابزار اپتیکی و ابزار دقیق
۱۰/۳	-۲/۴	-۱/۷	۴۷۱۵۹	وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم تریلر
۱/۱	-۹/۸	-۴/۵	۱۷۳۹۹	تولید سایر وسایل حمل‌ونقل
۱/۴	۱/۳	۳/۱	۳۳۷۴	تولید مبلمان و مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر
۰/۰	۸/۹	۸/۹	۱۳۹۵	باز یافت
۱۰۰	۴/۵	۵/۸	۴۴۵۳۴	کل بخش صنعت

مأخذ: محاسبات تحقیق براساس آمار کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر.



## ۲-۲. پتانسیل اشتغالزایی صنایع بر مبنای صادرات

همان طور که بیان شد، صناعی که رقابت پذیری صادراتی بیشتری داشته باشند، پتانسیل بالاتری نیز برای ایجاد اشتغال در بخش صنعت خواهند داشت. از این رو می توان براساس این معیار نیز در کنار معیار مقیاس تولید که در بخش قبل بیان شد، پتانسیل اشتغالزایی صنایع را بررسی کرد.

بین سال های ۱۳۹۲-۱۳۸۳ متوسط نسبت صادرات به ارزش افزوده در بخش صنعت حدود ۱۸ درصد بوده است. در این بین، برخی از صنایع هستند که این نسبت در آنها بالاست، اما سهم کمی در اشتغال دارند، لذا تأثیرگذاری آنها بر اشتغال در بخش صنعت کم است. از بین صناعی که هم از نسبت صادرات به ارزش افزوده بالاتری برخوردارند و همزمان سهم بالاتری از اشتغال صنعتی را به خود اختصاص داده اند، می توان به صنایع مواد غذایی و آشامیدنی، صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی، صنایع تولید محصولات کانی غیرفلزی، صنایع تولید فلزات اساسی و صنایع تولید ماشین آلات و تجهیزات را نام برد. صنایع تولید مواد غذایی و آشامیدنی با سهم حدود ۱۷ درصدی از کل اشتغال و نسبت صادرات به ارزش افزوده معادل ۲۲ درصد توانسته صادرات خود را سالانه بیش از ۱۵ درصد افزایش دهد. لذا این صنعت پتانسیل مناسبی برای اشتغالزایی خواهد داشت. صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی با سهم ۱۰ درصدی از اشتغال صنعتی دارای نسبت صادرات به ارزش افزوده حدود ۹۰ درصدی بوده و رشد صادرات مناسبی نیز داشته است.

نتایج این مطالعه در شناسایی پتانسیل های اشتغالزایی در بخش صنعت براساس وضع موجود، صنایع آب بر مانند صنایع مواد غذایی را در رتبه اول قرار داده است این امر

باید در قالب رویکرد غالب دنیا که به واردات آب مجازی از طریق واردات مواد غذایی روی آوردند، نگرینسته شود و در بحث اولویت‌بندی صنایع آب بر حتماً باید موضوع بحران آب و تنش آبی، در قالب سند جامع آب مورد توجه جدی قرار گیرد و به این سؤال پاسخ داده شود که آیا ایجاد اشتغال در صناعی که بر بحران و تنش آبی دامن می‌زنند می‌تواند برای کشوری مثل ایران قابل توجیه باشد و یا تغییر و اصلاح فروش تولید می‌تواند این اثر نامطلوب را بر منابع محدود آبی کشور مرتفع و حتی اصلاح نماید.

در بین صناعی که سهم بالایی از اشتغال دارند، صنعت تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم‌تریلر به چشم می‌خورد که علیرغم سهم ۱۰ درصدی از کل اشتغال بخش صنعت، نسبت صادرات به ارزش افزوده ۶/۸ درصدی دارد که بسیار پایین‌تر از متوسط کل بخش صنعت است. همچنین رشد متوسط صادرات در این صنعت نیز منفی بوده است. این نشان می‌دهد در صورتی که در این صنعت نگاه صادراتی حاکم شود، می‌توان پتانسیل اشتغال مناسبی برای آن تصور کرد.

جدول ۲. عملکرد صادراتی صنایع مختلف (متوسط ۱۳۹۲-۱۳۸۳) (درصد)

نام صنعت	نسبت صادرات به ارزش افزوده	رشد صادرات	سهم از اشتغال صنعت
صنایع مواد غذایی	۲۲/۰	۱۵/۱	۱۶/۸
دخانیات	۱/۶	-۱۴/۰	۰/۶
منسوجات	۱۵/۷	-۰/۳	۶/۷
پوشاک	۶/۰	-۹/۲	۰/۶
چرم و ساخت کیف و کفش	۹۰/۸	۱۱/۷	۰/۶
تولید چوب و محصولات چوبی غیر از مبلمان	۴/۲	۱۸/۱	۰/۷
کاغذ و محصولات کاغذی	۳/۲	۷/۴	۱/۸
انتشار و چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده	۱/۸	۱۳/۹	۰/۶
صنایع تولید زغال کک - پالایشگاه‌های نفت	۶۵/۸	۳۹/۹	۲/۴



نام صنعت	نسبت صادرات به ارزش افزوده	رشد صادرات	سهم از اشتغال صنعت
صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی	۸۹/۹	۱۸/۸	۱۰/۲
محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۹/۸	۲۲/۵	۴/۹
سایر محصولات کانی غیر فلزی	۱۲/۸	۲۲/۰	۱۳/۶
تولید فلزات اساسی	۳۱/۲	۳/۸	۱۰/۲
محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	۷/۲	۴/۹	۵/۹
تولید ماشین آلات و تجهیزات طبقه بندی نشده در جای دیگر	۱۲/۱	۱۱/۰	۶/۰
تولید ماشین آلات اداری و حسابگر و محاسباتی	۰/۷	۲۹/۴	۰/۴
ماشین آلات مولد و انتقال برق و دستگاه های برقی	۱۳/۲	۱۴/۶	۳/۵
راديو و تلویزیون و دستگاه ها و وسایل ارتباطی	۱/۴	-۲۶/۸	۰/۶
ابزار پزشکی و ابزار اپتیکی و ابزار دقیق	۲/۷	۱۶/۹	۱/۱
وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم تریلر	۶/۴	-۱/۸	۱۰/۳
تولید سایر وسایل حمل و نقل	۷/۹	-۴۷/۸	۱/۱
تولید مبلمان و مصنوعات طبقه بندی نشده در جای دیگر	۱/۹	۹/۶	۱/۴
بازيافت	۰/۰	-	۰/۰
بخش صنعت	۱۷/۸	۷/۴	۱۰۰

مأخذ: محاسبات براساس آمار کارگاه های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر.

### جمع بندی و خلاصه مدیریتی

هدف از این گزارش بررسی عوامل تأثیرگذار بر استخدام نیروی کار در بخش صنعت و شناسایی صنایعی بود که پتانسیل اشتغالزایی بیشتری دارند. یافته های این گزارش نشان داد که دستمزد حقیقی، تأثیر معناداری بر تقاضای نیروی کار در صنایع ایران نداشته است. این موضوع می تواند ناشی از پایین بودن نسبی دستمزد حقیقی در ایران به دلیل عدم تناسب دستمزد اسمی با تورم از یکسو و عرضه نسبتاً بالای نیروی کار طی یک دهه گذشته به دلیل ساختار جوان جمعیت باشد. همچنین نرخ سود حقیقی تسهیلات پرداختی به بخش صنعت نیز به عنوان شاخصی از هزینه سرمایه تأثیر معناداری بر

تقاضای اشتغال بنگاه‌ها نداشته است.

نتایج نشان می‌دهد که ضریب ارزش افزوده که در واقع نشانگر تأثیر ارزش افزوده هر بنگاه می‌باشد، معنادار و مثبت بوده و مقدار آن ۰/۴ است. این ضریب نشانگر تأثیر مقیاس تولید به عنوان یکی از مؤلفه‌های ساختاری بر تقاضای نیروی کار در بخش صنعت ایران است. از سوی دیگر در بین رشته فعالیت‌های مختلف صنعتی، صناعی که مقیاس بزرگ‌تری دارند، توان تحریک بیشتری در اشتغالیابی خواهند داشت.

یافته‌های گزارش نشان می‌دهد که رقابت‌پذیری صنایع موجب افزایش تحریک در تقاضای نیروی کار می‌شود. ضریب نسبت صادرات به ارزش افزوده که شاخصی از میزان رقابت‌پذیری در صنعت مورد نظر است، مثبت و معنادار است. این نشان می‌دهد که هر چقدر صنعت مورد نظر صادرات گراتر باشد، اشتغالیابی نیز بیشتر تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. همچنین در بین رشته فعالیت‌های صنعتی، صناعی که رقابت‌پذیر و صادرات‌گرا هستند، از پتانسیل بیشتری برای اشتغالیابی برخوردارند.

بررسی پتانسیل اشتغالیابی صنایع مختلف نشان می‌دهد که با توجه به سهم صنایع از کل شاغلان، رشد مقیاس تولید و نیز عملکرد صادراتی آنها، به ترتیب صنایع تولید مواد غذایی و آشامیدنی، صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی و صنایع تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی در رتبه بالای صنایع با پتانسیل بالا قرار می‌گیرند. لازم به ذکر است که در خصوص صنایع آب‌بر باید موضوع بحران آب و دورنمای آن در ایران مورد تأکید قرار گیرد و اولویت این صنایع باید در قالب سند جامع آب تعریف شود. در بین صناعی که می‌توان با تغییر ساختار (از جمله تغییر تکنولوژی، ارتقای کیفیت، کاهش هزینه‌های سربار، ارتقای خدمات پس از فروش، استفاده از پلتفرم‌های به روز جهان و...)





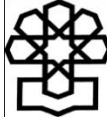
و رقابت‌پذیر کردن آنها پتانسیل اشتغال بالایی ایجاد کرد، صنعت خودرو (در کل زنجیره تولید) می‌باشد. این صنعت علیرغم سهم ۱۰ درصدی از اشتغال، نسبت صادرات به ارزش افزوده ۶/۸ درصدی دارد که بسیار پایین‌تر از متوسط کل بخش صنعت است. در صورتی که در این صنعت نگاه صادراتی حاکم شود، می‌توان پتانسیل اشتغال مناسبی برای آن تصور کرد.

در مجموع باید گفت که اگر هدف دولت افزایش اشتغالزایی در بخش صنعت است، توجه به اقتصادی کردن مقیاس صنعت و یا افزایش اندازه بنگاه‌ها و توجه جدی به صادرات محور شدن آنها به این هدف کمک خواهد کرد.

### منابع و مآخذ

۱. اکبریان، رضا و محتشمی، عباس. «تأثیر آزادسازی اقتصاد بر اشتغال بخش صنعت ایران (۱۳۸۲-۱۳۵۰)»، پژوهش‌های اقتصادی ایران، دوره ۸، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۸۵.
۲. دادگر، یدالله و ندیری، محمد. «ارزیابی تأثیر جهانی شدن تجارت بر اشتغال (بخش صنعت در ایران)»، نامه مفید، دوره ۱۱، شماره ۵۱ (نامه اقتصادی)، دی‌ماه ۱۳۸۴.
۳. زاهدی وفا، محمدهادی و فیروزان سرنقی، توحید. «بررسی اثر تجارت خارجی بر اشتغال و دستمزد نیروی کار بخش صنعت در ایران»، پژوهشنامه اقتصادی، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۳ (ویژه‌نامه بازارکار)، ۱۳۸۷.
۴. سبحانی، حسن و عزیزمحمدلو، حمید. «تحلیلی بر نقش مخارج سرمایه‌گذاری در ایجاد اشتغال در زیربخش‌های صنعت در ایران (با تأکید بر صنایع بزرگ)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۸۴.
۵. عزیزمحمدلو، حمید. «واکنش بنگاه‌ها در قبال ریسک ناشی از ناطمینانی تقاضا و تأثیر آن بر اشتغال نیروی کار (مطالعه موردی بخش صنعت ایران)»، دوره ۴۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰.
۶. فلاحی، محمدعلی، حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین و مقدم نژاد، حسن. «بررسی رابطه بین

- تغییرات بهره‌وری و اشتغال در صنعت ایران (کاربرد روش تجزیه بلنچارد-کوآ)»، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۲، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۹۱.
۷. کشاورز حداد، غلامرضا. «ارزیابی پتانسیل‌های اشتغالزایی بخش‌های مختلف اقتصاد ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۸، بهار ۱۳۸۳.
8. Betts, JR, 'The skill bias of technological change in Canadian manufacturing industries', *Review of Economics and Statistics*, vol. 79, 1997.
9. Bishwanath, G, Basanta, KP & Akhilesh, KS, 'Elasticity of Substitution between capital and labour inputs in manufacturing of the Indian economy'. *Journal of Industrial Statistics*, vol. 2, no.2, 2013.
10. Devicienti F., Naticchioni, P. and Ricci A. 'Temporary employment, demand volatility and unions: Firm-level evidence', Carlo Alberto Notebooks, No. 434, 2015.
11. Falk, M & Koebel, BM, A dynamic heterogeneous labour demand model for German manufacturing. *Applied Economics*, Vol. 33, 2000.
12. Rahmah I., Noorasiah S., Arawati A. and Fariza A., 'Labour Demand Elasticity and Manpower Requirement in Malaysian Service Sector', *International Review of Business Research Papers Vol. 11. No. 2. 2015*
13. Rahmah Ismail & Idris Jajri, 'Elasticity of substitution between skills in Malaysian manufacturing sector', *International Journal Management Studies*, vol. 11, no. 2, 2004.
14. Saens, R., Lobos, G., & Rivera, E, 'Agricultural labor demand in Chile: a cointegration approach', *Chilean Journal of Agricultural Research*, vol. 68, no. 4, 2008.
15. Valletta R., Bengali L., and van der List C., 'Cyclical and Market Determinants of Involuntary Part-Time Employment', Federal Reserve Bank of San Francisco, Working Paper, 2015.



شماره مسلسل: ۱۴۹۴۰

مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ارزیابی پتانسیل اشتغالزایی در بخش صنعت ایران

نام دفتر: مطالعات انرژی، صنعت و معدن (گروه صنعت)

تهیه و تدوین: علی اصغر اژدری

سایر همکاران: خارج از مرکز

ناظران علمی: محمدرضا محمدخانی، هوشنگ محمدی

متقاضی: معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. اشتغال

۲. بخش صنعت



تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۵/۲۰